

بررسی وظایف زوجین قبل و بعد از ازدواج (با رویکرد اخلاقی - فقهی)

محمد قدرتی*

چکیده

لازم است زن و شوهر برای سعادت خود و فرزندانشان، سلسله‌ای از مسائل اخلاقی را که قرآن مجید و روایات بر آن تأکید فراوان دارند، رعایت کنند. در تعلیمات اسلام این مسئله مهم با دقت و موشکافی عجیبی بررسی شده است. جستار حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی در گردآوری اطلاعات، می‌کوشد با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، عناوین اصلی و کلیات این مبحث را توصیف کند و سپس با رویکرد اخلاقی - فقهی به تبیین وظایف زوجین قبل و بعد از ازدواج بپردازد.

نتایج بیانگر این نکات است: اگر محیط خانواده آکنده از محبت باشد، موجب تلطیف عواطف و رشد فضایل در افراد می‌شود؛ بخش عمده‌ای از مشکلات روانی و فشارهای روحی و اقتصادی بر خانواده‌های امروزی حاصل اسراف و تبذیر در خانواده است؛ از دیدگاه اخلاق اسلامی بر مرد و زن لازم است از خطای همسر خود بگذرند؛ با تطبیق قواعد فقهی بر اخلاق، زوجین باید از ضررزدن جسمی یا معنوی به یکدیگر پرهیز کنند و کرامت انسانی همسر و فرزندان را رعایت کنند. از موارد کرامت‌بخشی می‌توان به حفظ حجاب و مصون ماندن از چشم افراد هوس‌ران اشاره کرد.

* دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه اردکان.



واژه‌های کلیدی

اخلاق، سیره اسلامی، سبک زندگی، زوجین.

مقدمه

اسلام در جایگاه مکتب انسان‌ساز و الگوی مکاتب بشری، بیشترین توجه را به تکریم و تعالی خانواده دارد و این نهاد مقدس را کانون تربیت و محل مودت و رحمت می‌شمارد. از دیدگاه اسلام، سعادت و شقاوت جامعه منوط به صلاح و فساد خانواده است و هدف از تشکیل خانواده، تأمین نیازهای مادی، عاطفی و معنوی انسان، از جمله دستیابی به سکون و آرامش است. خانواده بنیادی‌ترین نهاد جامعه است که وظیفه تربیت و پرورش انسان‌ها را بر عهده دارد. خانواده، پیوند عمیق و پایدار جسمی و روحی چند نفر برای زیستن در فضای واحد است؛ یعنی بدون تحقق این پیوند، خانواده معنایی ندارد. قوام این بنا به میزان پیوند اعضای آن بستگی دارد (ر. ک: حسن‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۷).

لازم است زن و شوهر برای سعادت خود و فرزندانشان، سلسله‌ای از مسائل اخلاقی را که قرآن مجید و روایات بر آن تأکید فراوان دارند، رعایت کنند. اخلاق حسنه و خودداری از زشتی‌های اخلاقی، کار طاقت‌فرسایی نیست؛ به کارگیری اصول اخلاقی و پرهیز از پلیدی‌های اخلاقی در مدتی اندک، ریاضت قابل‌تحملی است که ره‌سپردن در راه الهی را بر انسان آسان، پیوند زناشویی را محکم و محبت به یکدیگر را استوارتر می‌کند و درسی عملی برای دیگران، به‌ویژه فرزندان خانواده است. اجرای اصول اخلاقی، فضایی پر از صفا و صمیمیت، پاکی و سلامت، راحتی و امنیت و عشق و محبت به‌وجود می‌آورد و زندگی را در تمام شئون بر زن و شوهر از غسل شیرین‌تر می‌کند (ر. ک: انصاریان، ۱۳۸۰: ۲۰۶).

امروز مسئله ازدواج آن‌قدر در میان آداب و رسوم غلط و حتی خرافات پیچیده شده که برای جوانان به‌صورت یک جاده صعب‌العبور یا غیرقابل‌عبور درآمده است؛ اما قطع‌نظر از این پیرایه‌ها، ازدواج یک حکم فطری و هماهنگ با قانون آفرینش است و انسان برای بقای نسل و آرامش جسم و روح و حل مشکلات زندگی به ازدواج سالم احتیاج دارد (ر. ک: امینی گلستانی، ۱۳۸۷: ۱۸).



یکی از دلایل عظمت تعلیمات اسلام این است که این مسئله مهم زندگی را با دقت و موشکافی عجیبی بررسی کرده و برای تشکیل خانواده سالم و به دور از هرگونه کثی، از هیچ برنامه مؤثری فروگذار نکرده، بلکه از نخستین گام برای تشکیل خانواده به هدف‌های اصلی این کار و ارزش‌های والای حاکم بر آن توجه داشته است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۳۰).

هدف نهایی اخلاق این است که انسان را به کمال و سعادت حقیقی خود که همان هدف اصلی خلقت جهان و انسان است، برساند. تحقق این کمال و سعادت در این است که انسان به اندازه ظرفیت و استعداد خود چه در صفات انسانی و چه در حوزه‌های رفتاری، جلوه گاه اسماء و صفات الهی گردد (ر.ک: دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۰: ۱۹). هنگامی که مردی همسر خود را تنها برای زیبایی و ثروتش انتخاب کند، خداوند او را به همان زیبایی و ثروت وامی‌گذارد (و از همه چیز محروم می‌شود) و هرگاه همسرش را برای دیانتش انتخاب کند، خداوند مال و جمال را نیز به او می‌دهد. در حدیثی از امام باقر علیه السلام چنین آمده است: «شخصی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و درباره ازدواج (و ارزش‌های آن) با آن حضرت مشورت کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اَنْكُحْ وَ عَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ تَرَبُّثٌ يَدَاكُ؛ ازدواج کن و بر تو است که به سراغ همسری با ایمان و دیندار بروی که روزی تو را گسترده می‌کند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۳۵).

در آموزه‌های دین اسلام به ازدواج که زمینه‌ساز تعالی اخلاقی و معنوی افراد است، تأکید شده است؛ زیرا همدلی و همکاری و حمایت روانی و مادی از یکدیگر، به بهترین وجه، در ازدواج و تشکیل خانواده (در پرتو تعالیم اسلام) فراهم می‌شود (ر.ک: سالاری‌فر، ۱۳۸۵: ۵۷).

نظام خانواده در اروپا و آمریکا نظامی غلط، بی‌پایه و بی‌محتواست. تقلید از نظام خانوادگی غربی، تقلیدی نابه‌جا و موجب افتادن در چاه بدبختی است. آنان از ازدواج، هدفی مقدس و پاک ندارند و دلیل ازدواج زن و مرد، فقط شهوت و ارضای غریزه است. در آنجا زن و مرد شایسته و صالح بسیار کم است؛ به همین دلیل، فساد و افساد از سر و روی اروپا و آمریکا مانند باران بهاران می‌ریزد (ر.ک: انصاریان، ۱۳۸۰: ۶۳).





جستار حاضر با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و روش اسنادی می‌کوشد با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی، عناوین اصلی و کلیات مبحث را توصیف و بعد به تبیین ویژگی‌های اخلاقی زوجین در خانواده با رویکرد اخلاقی - فقهی پردازد.

وظایف اخلاقی زوجین قبل از ازدواج

دوری از چشم و هم‌چشمی

از عادات زشت بعضی از افراد می‌توان به «چشم و هم‌چشمی» اشاره کرد؛ به این معنا که فرد یا خانواده وضعیت خوب مادی اقوام یا همسایگان یا دیگران را ملاک قرار می‌دهند و می‌کوشند تا هر جور شده هم‌تراز آنان شوند؛ دختر چشم به امور مادی دختران اقوام می‌دوزد و آرزو می‌کند همسر آینده‌اش و مجالس عقد و عروسیش همانند فلان دختر باشد و به همین دلیل، در رد کردن خواستگاران که در آن سطح از مادیات و ثروت نیستند، اصرار می‌ورزد و آن‌قدر فرصت‌ها را از دست می‌دهد تا از سن مناسب ازدواج بگذرد. آن وقت است که مجبور می‌شود به ازدواج با مردی مسن یا زن مرده تن بدهد یا از ازدواج منصرف می‌شود. چنین دختری اگر هم شوهر کند از نشاط جوانی و شور روحی محروم است؛ نه حوصله شوهرداری دارد و نه توان بچه‌داری و تربیت اولاد. این چشم و هم‌چشمی از موانع ازدواج و صفتی شیطانی و عادت زشت است (ر.ک: انصاریان، ۱۳۸۰: ۱۳۰). رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید:

«خانواده‌ها روی چشم و هم‌چشمی، جهیزیه را برای خودشان یک معضل می‌کنند. بعد که این معضل را خودشان به یک نحوی تحمل کردند، تازه نوبت دیگران است که رنج این معضل را ببرند. برای اینکه وقتی شما در جهیزیه دخترتان این همه وسایل درست کردید، بعد کسانی که دیدند، تکلیف آن‌ها چیست؟ این چشم و هم‌چشمی‌ها آخر به کجا خواهد رسید؟ این همان مشکلاتی است که درست خواهد شد. اسلام می‌خواهد این‌ها نباشد» (بیانات در خطبه عقد، مورخ ۱۶ خرداد ۱۳۷۳).

پرهیز از وضع مهریه سنگین

مسئله مهریه در اسلام بسیار مهم، ظریف، دقیق و قابل توجه است. اسلام بر وضع مهریه‌های سبک اصرار دارد و از وضع مهریه‌های سنگین بر حذر داشته است. همچنین در فقه اسلام،

آنچه دارای ارزش و قیمت باشد (چه مال و چه عمل) می‌تواند مهریه و صداق زن قرار بگیرد؛ باغ، مغازه، زمین، ساختمان، پول نقد، آموختن علم و امثال این‌ها می‌تواند صداق زن باشد (ر.ک: انصاریان، ۱۳۸۰: ۱۳۱).

دلیل اینکه در ازدواج، مرد باید مهریه بپردازد و زن حق دارد آن را دریافت کند،^۱ این است که خداوند مرد را قَیم زن و مدیر زندگی قرار داده، بر آوردن نیازهای زن را به عهده او گذاشته و زن را از تجارت و معامله در بازارها منع کرده است. از سوی دیگر، زن باید خود را کاملاً در اختیار مرد قرار دهد و بی‌اجازه او از خانه خارج نشود و جز در واجبات و محرمات باید تابع دستور مرد خود باشد؛ به طوری که مرد بتواند هر لذت مشروعی را از او ببرد و در یک کلمه، زن در حقیقت با ازدواج، خود را به همسر خود می‌فروشد و مرد خریدار اوست و البته انسان باید عوض و ثمن چیزی را که می‌خرد، بپردازد. در واقع، مهریه همان ثمن و عوض است؛ بنابراین، مهر یک بدهکاری مسلم است و زن حق دارد قبل از آن که خود را در اختیار مرد بگذارد آن را بگیرد. خداوند در قرآن درباره‌ی ادای مهریه فرموده است: ﴿وَأْتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ فَاكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا﴾ (نساء: ۴)؛ یعنی مهر زن‌های خود را بپردازید و اگر آنان چیزی از آن را از روی رضایت به شما بخشیدند، برای شما گوارا و حلال خواهد بود (ر.ک: حسینی بهارنچی، ۱۳۸۵: ۵۸).

پرهیز از سخت‌گیری

بعضی از پدران و مادران، فرزندان خود را برای ازدواج، بچه می‌دانند و اعلام نیاز آنان را برای تشکیل زندگی، حاصل بی‌حیایی و پررویی آن‌ها می‌شمارند و فرزندان خود را سرزنش و تحقیر می‌کنند و طوری با آنان رفتار می‌کنند که سرخورده می‌شوند و اگر از ایمان قوی برخوردار نباشند، خود را مجبور به حرکت در کزراهه می‌بینند (ر.ک: انصاریان، ۱۳۸۰: ۱۱۴). متأسفانه بعضی از پدران و مادران درباره‌ی موضوع ازدواج چنان

۱. با اینکه زن و مرد از نظر استفاده جنسی از یکدیگر مساوی هستند، بلکه زن غریزه بیشتری دارد و چنان‌که در روایتی آمده، غریزه زن ده برابر مرد است و اگر خداوند حیا را مانع او قرار نداده بود، او به سوی مرد می‌رفت.



رفتار می‌کنند که انگار شاه مقتدری هستند و فرزند آنان شاهزاده است و باید در امر عقد و عروسی همچون فرعون و فرعونیان عمل کنند. با این طرز تفکر، پیشنهادهایی می‌دهند و خواسته‌هایی را اظهار می‌کنند که خانواده‌ی مقابل بهت‌زده می‌شود و فرزندشان نیز از ازدواج و تشکیل خانواده پشیمان می‌شود و به ناچار برای ارضای غرایز خود دست به دوست‌یابی نامشروع می‌زند و خود را به انواع گناهان جنسی آلوده می‌کند (ر.ک: همان: ۱۲۲).

بعضی از پدران و مادران به خانواده‌ی عروس یا داماد، مسائلی را پیشنهاد می‌دهند که تحقق آن بسیار سخت یا غیرممکن است و آن‌قدر بر پیشنهادهای خود پافشاری می‌کنند تا زمان ازدواج دختر و پسر می‌گذرد. گاهی پسری به خواستگاری دختری می‌رود، اما با تلخی و بداخلاقی خانواده‌ی عروس روبه‌رو می‌شود و از ازدواج با دختر پشیمان می‌گردد. در این صورت، دختر خانه‌نشین می‌شود و سن ازدواج او می‌گذرد. چنین رفتاری ممکن است از خانواده‌ی پسر هم سر بزند. گاهی دختران و پسران بر اثر محدود بودن در تصمیم و دچار بودن به فضای پدرشاهی یا مادرشاهی تن به ازدواج نمی‌دهند و خسارت می‌بینند. گاهی خود دختر و پسر با دادن پیشنهادهای سنگین به طرف مقابل، مانع ازدواج خود می‌شوند. اسلام، این سختگیری‌ها را خلاف انصاف و مروّت و جدای از اخلاق انسانی و امری غیرخدایی و غیرشرعی می‌داند و به سختگیران هشدار می‌دهد که عواقب این کار در دنیا و آخرت دامنشان را خواهد گرفت. اسلام می‌گوید خداوند مهربان بر آنان که در همه‌ی امور آسان می‌گیرند، آسان می‌گیرد و بر آنان که سختگیر هستند، سخت خواهد گرفت (ر.ک: همان: ۱۱۵).

اسلام در ضمن نکوهش کسانی که استفاده از نعمت‌ها و زینت‌های الهی را بر خود حرام کرده‌اند، انسان را به میانه‌روی و اعتدال دعوت و از تجمل‌گرایی نهی کرده است. هنگامی که اشراف مکه، شرط ایمان آوردن و همراهی با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دوری از ضعیفان و نیازمندان و فراهم کردن زندگی اشرافی برای پیامبر قرار دادند، پیامبر گرامی اسلام این نوع زندگی را از موانع پذیرش حق و بهره‌مندی از هدایت الهی دانست.

زندگی همراه با تجمل، افزون بر اینکه جامعه را دچار بحران اقتصادی می‌کند، آثار فرهنگی نامطلوبی دارد که از آن جمله می‌توان به تزلزل آرامش روحی، گسترش روحیه



زیاده‌طلبی و تعرض به حقوق دیگران، آسیب دیدن ارزش‌ها، تبدیل ضدارزش‌ها به ارزش، ایجاد فاصله طبقاتی و تنزل شخصیت، منزلت و اهداف انسانی اشاره کرد (ر.ک: فاضل قانع، ۱۳۹۲: ۱۹۰).

وظایف اخلاقی زوجین بعد از ازدواج

محبت

ازدواج افزون بر ارضای نیازهای زیستی، از جنبه روان‌شناختی نیز اهمیت دارد. انس و پیوند میان زن و شوهر و دل‌بستگی آن‌ها که در قرآن بر آن تأکید شده است، زمینه برآورده شدن نیازهای روانی دیگر است (ر.ک: سالاری‌فر، ۱۳۸۵: ۲۹۱).

از نظر شهید مطهری آن چیزی که زوجین را به یکدیگر پیوند می‌دهد، منحصرأ شهوت و غریزه نیست و آنچه پایه وحدت زوجین را تشکیل می‌دهد، همان چیزی است که قرآن کریم از آن به مودت و رحمت یاد کرده است (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۱: ۱۶۹).

حسین بن بشار واسطی می‌گوید: «به امام رضا علیه السلام نوشتم: خویشاوندی دارم که از دخترم خواستگاری می‌کند، ولی بد اخلاق است (چه صلاح می‌دانید؟). فرمود: اگر بد اخلاق است، دختری را به وی تزویج نکن» (ر.ک: نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۴: ۲). همچنین، امام رضا علیه السلام فرمود: «هنگامی که مردی از شما خواستگاری کرد و شما از دین و اخلاق او راضی بودید، به ازدواج با او رضایت دهید و مبادا فقر او شما را از بیان رضایت بازدارد» (همان: ۳۴). امام سجاد علیه السلام در این باره فرمود: «حق همسرت آن است که بدانی خداوند - عزوجل - او را مایه سکون و انس تو قرار داده است و بدانی که او نعمت خداوند بر توست. پس او را گرمی بدار و با وی نرمی کن و هر چند حق تو بر او واجب‌تر است، اما حق او بر تو این است که با او مهربانی کنی» (ر.ک: ابن بایویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۶۲۱). امام رضا علیه السلام درباره خوش‌خلقی در خانواده فرمود: «أقربکم منی مجلساً یوم القیامه أحسنکم خلقاً و خیرکم لأهله؛ در قیامت کسی به من نزدیک‌تر است که در دنیا خوش‌اخلاق‌تر و با خانواده خود نیکوکارتر است» (ر.ک: حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۲: ۱۵۲). و فرمود: «رفتار خود را با افراد کوچک و بزرگ زیبا گردان که این اصل در حسن معاشرت و بهبودی آن تأثیر فراوانی دارد» (منسوب به امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ق: ۴۰۰).





زن و مرد، دو بخش از جسمی واحدند و هر کدام، معاون و یار دیگری است؛ اگر هریک را جدا از دیگری بینگاریم، گویا وجود ناقصی را فرض کرده‌ایم که بدون دیگری کامل نخواهد بود. همچنان که زن از نظر روحی به مرد اتکا دارد و همواره خود را به مرد نیازمند می‌داند و اگر همه جهان را به او بدهند، این نیاز رفع نمی‌شود، مرد نیز همواره به زن و محبت او نیاز دارد. هرگاه مرد به مادر احتیاج دارد، زن برای جسم و جان او، آغوشی پرمهر و جایگاه رشد است و هرگاه به مربی، دلسوز و نوازشگر نیاز دارد، دامن زن، والاترین مدرسه و پرورشگاه روح و پیکر اوست. هنگامی که به دوست، رفیق، همدم و همدرد نیازمند است، زن یار او، مایه شوق و اشتیاق او، محرم راز او، همدل و همدم او و همنشین وفادار اوست و آنجا که مرد به شور و عشق و نشاط نیاز دارد، زن، گل شکوفای زندگی او، مایه سرخوشی و سرور و نشاط او و آرام‌بخش جان و دل اوست (ر.ک: دوست محمدی، ۱۳۶۸: ۲۸). هنگامی که زن و مرد مؤمن ازدواج می‌کنند و خود را موظف به رعایت مسائل الهی می‌دانند، همانند دو یار مددکار، دو رفیق شفیق، دو دوست همدم، دو همراه و همراز، دو منبع ایمان و دو استوانه عشق و محبت، فضای زندگی را از مشکلات حفظ می‌کنند و چون مشکلی پیش آید، به آسانی آن را حل و فصل می‌کنند و با اسلحه بردباری و حوصله به علاج درد برمی‌خیزند (ر.ک: انصاریان، ۱۳۸۰: ۵۴).

زن و شوهر نباید به حکم ضرورت با هم زندگی کنند. در هنگام ساختن یک بنا، میان آجرها هرگز علاقه در کار نیست؛ فقط به حکم ضرورت در کنار هم قرار گرفته‌اند؛ ولی در کانون خانواده چطور؟ آیا در زندگی مشترك هم زن و مرد باید به حکم ضرورت‌ها و ناچاری‌ها با هم باشند؟ مسلماً خیر، کانون خانواده باید از بنیاد محکم‌تری که همان علاقه و محبت است، برخوردار باشد. حکمت متعالیه حضرت حق، در یک حسابرسی و نقشه‌کشی دقیق، بهترین فرصت را برای پی‌ریزی این بنیاد در اوایل ازدواج ایجاد کرده است؛ شور و نشاط جوانی و شهوت و احساس محبت بسیار به همسر در اوایل ازدواج، فرصتی طلایی است که موجب می‌شود همراه با پیوند جنسی، پیوند دو قلب هم انجام گیرد و این عروس و داماد هستند که باید از این فرصت و بهانه استفاده کنند و با مهرورزی آن را به گونه‌ای گسترش دهند که تا پایان عمر همدیگر را دوست هم بدانند (ر.ک: نجفی یزدی، ۱۳۷۹: ۵۱).

خانواده سه رکن فیزیکی، عاطفی و معنوی دارد. رکن فیزیکی خانواده را وجود همسران و رکن عاطفی آن را محبت و گذشت تشکیل می دهد. ارکان فیزیکی، بدنه و اسکلت خانواده را می سازند و ارکان عاطفی، روح و جان خانواده اند. اگر خانواده ای از دو نعمت محبت و گذشت محروم شود، همانند کالبد بی روح می شود و هیچ خوشبختی و موفقیتی در این خانواده به دست نمی آید (ر. ک: پاک‌نیا، ۱۳۸۲: ۴۰). اگر مردی بر اثر ضعف نفس یا رویارویی با مشکلات و سختی روح یا به هر دلیل موجه یا ناموجه عصبانی شد، بر یک بانوی فهمیده لازم است بیش از آنکه خود را رقیب بداند، همانند یک پرستار دلسوز به فکر آرام کردن روح و روان شوهر و اهل خانه خود باشد تا بعد از فروکش کردن گردوغبار خشم و به کارافتادن عقل و فکر، با هم صحبت کنند. اگرچه این کار از دو طرف لازم است، مسئولیت بیشتر به عهده زن است (ر. ک: نجفی یزدی، ۱۳۷۹: ۱۵).

کم توقعی

پرتوقعی صفتی ناپسند و حاصل کبر و غرور، بیماری روحی و روانی و برنامه‌ای خارج از محدوده انسانیت است؛ درحالی که کم‌توقعی نتیجه وقار و ادب و معرفت و کرامت و میوه شیرین فروتنی و تواضع است. اگر بخواهیم زندگی شیرین تر از عسل شود، اختلاف مهمی پیش نیاید، همسر دچار رنجش و تحقیر شخصیت نشود و این رنجش و تلخی به اطرافیان سرایت نکند، باید در تمام امور زندگی کم‌توقع باشیم و بدانیم کم‌توقعی (چون جلوه رحمت حق در زندگی است)، موجب جلب خشنودی و رضایت حق می شود. در هر حال، زن و شوهر باید نرم‌خو، باصفا و منبع عشق و محبت باشند و امور زندگی را برای یکدیگر آسان بگیرند که این آسان گرفتن بابتی از ابواب معروف است و آنان که اهل معروف و پاک از منکرات روحی و اخلاقی هستند، مورد توجه حق و مستحق اجر و جزای جمیل از جانب پروردگارانند (ر. ک: انصاریان، ۱۳۸۰: ۲۱۵).

مصرف به منزله یکی از مهم‌ترین مصادیق سبک زندگی، در جامعه دینی باید در چارچوب نظام معنایی توحیدی باشد؛ به عبارت دیگر، گرایش‌ها و سلیقه‌هایی که الگو یا الگوهای خاصی را برای مصرف در جامعه دینی شکل می دهند، باید برگرفته از نظام بینشی



باشند و در آموزه‌های وحیانی و دینی ریشه داشته باشند. در اینجا نقش بی‌بدیل رسانه در شکل‌دهی، تثبیت و نهادینه‌ساختن چنین الگوهایی به‌روشنی آشکار می‌شود (ر.ک: فاضل قانع، ۱۳۹۲: ۱۹۲). میانه‌روی در مصرف سبب حفظ کرامت ذاتی انسان و عزت جامعه اسلامی می‌شود؛ به‌همین دلیل، در آموزه‌های اسلامی، دراز کردن دست نیاز به‌سوی دیگران، موجب خواری انسان در دنیا دانسته شده و انسان از آن نهی گردیده است. این مسئله در بُعد اجتماعی می‌تواند موجب مخدوش شدن استقلال و عزت جامعه اسلامی گردد (ر.ک: همان: ۱۸۴).

یکی از وظایف مهم زن، تعدیل خواسته‌های خود براساس درآمد زندگی است. زن نباید فقط به خواسته‌های خود یا فرزندان یا مخارج زندگی نظر کند و امکانات و مخارج مرد را نادیده بگیرد و زندگی را با ناراحتی و خشم و بهانه‌گیری، تلخ و سخت کند. آری، طبق حدیث شریف، هرگاه زن با عقل و سلیقه خود خوشبختی خانواده را فراهم کند، کار او کمتر از کسب و کار شوهر نیست؛ زیرا حفظ درآمد همانند کوشش برای کسب درآمد، ارزشمند است. حضرت فاطمه علیها السلام به حضرت علی علیه السلام فرمود: «پیامبر به من فرمود: از پسر عمویت (حضرت علی) چیزی نخواه؛ اگر آورد که خوب، و گرنه از او درخواست مکن (یعنی او را تحت فشار قرار نده)». امام صادق علیه السلام فرمود: «از برکت زن این است که کم خرج و آسان‌زا باشد و پرخرج بودن و سخت‌زابدن او، شومی اوست». بنابراین، بانوان برای هرچه بیشتر شدن این برکت باید بکوشند. البته تنگ‌نظری، سخت‌گیری‌های بی‌دلیل و صرفه‌جویی‌های احمقانه که موجب آبروریزی و بیماری می‌شود، با قناعت و اعتدال در زندگی فرق دارد. سخن در تناسب درآمد و مخارج است، نه بخیل بودن و با وجود امکانات، به‌دلیل حرص و بخل، خود و خانواده را تحت فشار قراردادن (ر.ک: نجفی یزدی، ۱۳۷۹: ۲۱).

عفو و گذشت

زن و شوهر گاهی درباره یکدیگر مرتکب خطا و اشتباه می‌شوند؛ برای مثال، ممکن است زن در امور خانه‌داری، توجه به فرزندان و رعایت حق شوهر دچار خطا گردد یا مرد در



رفتار و کردار، اخلاق و روش، اداره امور منزل و قضاوت درباره زن، اشتباه کند. این اشتباه و خطاها قابل گذشت و اغماض و عفو است و جای گذشت و عفو هم در همین موارد است. هنگامی که زندگی مسیر طبیعی خودش را طی می کند، بر مرد لازم اخلاقی و شرعی است که از خطای همسر خود در چنین مواردی بگذرد. بر زن هم لازم اخلاقی و شرعی است که شوهر خود را عفو کند. در این باره، کبر و سختگیری و خودپسندی و بی‌اعتنایی به شخصیت همسر و رویگردانی از دستورات حق و انبیا و ائمه، امری ناپسند و گاهی حرام و موجب عقاب الهی است (ر.ک: انصاریان، ۱۳۸۰: ۲۱۷).

اسحاق بن عمار می گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حق زن بر شوهر چیست؟ حضرت فرمود: او را سیر کند، لباس بپوشاند و اگر خطایی کرد از او درگذرد». حضرت هود همسر بدی داشت؛ اما برایش دعا می کرد. دلیل این کار را پرسیدند؟ فرمود: «خداوند هیچ مؤمنی را نیافرید، مگر اینکه دشمنی دارد که او را اذیت می کند. دشمن من هم همین زن من است؛ اگر دشمنم در اختیار خودم باشد، بهتر از این است که من در اختیار دشمنم باشم.» (ر.ک: نجفی یزدی، ۱۳۷۹: ۴۰).

سازش و مدارای زن و شوهر در زندگی، جزو واجبات است و دوام زندگی مشترك به این سازگاری وابسته است. منظور از سازگاری در اینجا تحمل، ساختن و تطبیق خود با وضعیتی است که پس از ازدواج برای زوجین در زندگی مشترك پیش می آید؛ به گونه ای که خود را با وضعیت تازه تطبیق دهند، با یکدیگر همراهی و سازش کنند و از یکدیگر دلسرد نشوند که بگویند: این مرد یا این زن دیگر به درد من نمی خورد. سازگاری وظیفه ای است که اسلام بر عهده زوجین نهاده است. هر دو باید با هم بسازند و بنا را بر این بگذارند که زندگی خانوادگی را سالم، کامل، آرام و همراه با محبت و عشق متقابل اداره کنند و این را ادامه دهند و حفظ کنند (ر.ک: یوسفیان، ۱۳۸۷: ۲۴).

قناعت

برخلاف دنیای غرب که رضایت را در مصرف زیاد و اهتمام به آن می داند، از دیدگاه اسلام آنچه موجب رضایت و آسایش خاطر می شود، قناعت است و صفای زندگی با آن



پیوند دارد؛ زیرا اگر کسی از تقدیر الهی راضی و به آن قانع باشد، به بی‌نیازی واقعی می‌رسد و هیچ چیز به اندازه راضی بودن از روزی، احساس نیازمندی را از میان نمی‌برد. براساس چنین باوری است که شخص مؤمن و قانع، هرگز برای آنچه ندارد، اندوهگین نمی‌شود (ر.ک: فاضل قانع، ۱۳۹۲، ۱۸۸).

امام رضا علیه السلام فرمود: «راه قناعت را دو تن می‌پیمایند: یکی، دینداری که پاداش آخرت را خواهان است و دیگری، بزرگواری که از انسان‌های پست پرهیز می‌کند» (ر.ک: مروجی طبسی، ۱۳۹۳: ۱۲۷).

پرهیز از اسراف

بخش عمده‌ای از مشکلات روانی و فشارهای روحی و اقتصادی بر خانواده‌های امروزی، از اسراف و تبذیر در خانواده نشأت می‌گیرد؛ مسئله تأسف‌برانگیزی که به منزله یک ضداخلاق و در تضاد با سبک زندگی اسلامی، در قالب یک فرهنگ نادرست در حال ترویج و گسترش روزافزون است (ر.ک: احمدی‌فر و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۷). شخصی گفت: «از امام رضا علیه السلام درباره چگونگی تأمین مخارج خانواده پرسیدم. ایشان فرمودند: حد وسط است میان دو روش ناپسند. گفتم: به خدا سوگند، نمی‌دانم این دو روش چیست؟ فرمودند: رحمت الهی بر تو باد، آیا نمی‌دانی که خداوند بزرگ اسراف و اقتار (سختگیری) را ناخوشایند دارد؟» (ر.ک: حکیمی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۲۰۵).

۶.۲. آراستگی همراه با حجاب

پوشش یا حجاب، به گونه‌ای که زیبایی‌ها و زینت زن را بپوشاند و او را از چشم مردم هرزه و بی‌تربیت و آلودگان به شهوت حیوانی و حالات شیطانی حفظ کند، دستوری قرآنی، قانونی الهی، تکلیفی انسانی و برنامه‌ای اخلاقی است. حجاب و پوشش اسلامی که بهترین نوع آن چادر است - چادری که یادگار منبع عصمت و عفتی چون فاطمه زهرا علیها السلام است - هیچ مانعی در راه دانش‌طلبی و رشد و کمال زن ایجاد نمی‌کند، بلکه او را از بسیاری از خطرات و دام‌هایی که حیوان‌صفتان در راه دختران و زنان جوان قرار داده‌اند، مصون



می‌دارد و پاکدامنی و سلامت و عفت و حیای او را برای شوهرش یا اگر ازدواج نکرده، برای مرد آینده‌اش محفوظ می‌گذارد (ر.ک: انصاریان، ۱۳۸۰: ۲۳۲).

اسلام، دین آراستگی و زیبایی ظاهر و باطن است. همان‌گونه که خداوند فرموده است: ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾ (اعراف: ۳۱)، پیشوایان ما علاوه بر زیبایی باطنی به آراستگی ظاهر هم توجه داشته‌اند؛ چراکه ظاهر هرکس تجلی درون اوست و رفتارهای ظاهری نیز به تدریج بر باطن انسان تأثیر می‌گذارد و هرگز نباید به این جمله انحرافی که «دل باید پاک باشد، ظاهر چندان اهمیتی ندارد» توجه کرد (ر.ک: مهدوی، ۱۳۸۸: ۹۵).

امام رضا علیه السلام درباره آراستگی فرمود: «چه بسا بی‌توجهی مرد به آراستگی ظاهر سبب می‌شود که زن از پاکدامنی فاصله بگیرد (طبرسی، ۱۴۲۵: ۴۸۹). خودآرایی و تزئین در نهاد زن قرار گرفته است؛ اما زن حتی اگر خود را نیاراید، باز هم برای مرد جذاب و دارای کشش است؛ به همین دلیل، در اولین مراسم خواستگاری در آفرینش - داستان خلقت آدم و حوا - آمده است که آدم همنشینی و نگاه به حوا را مایه اُنس و آرامش خویش یافته بود و آن را به خداوند اظهار داشت. این سرمایه خداداد باید در مسیر تثبیت زندگانی مشترک به کار رود. اگر زندگی مشترك فقط گذراندن چند ساعت و چند روز بود، شاید سهل انگاری و بی‌اعتنایی مشکل‌آفرین نبود؛ اما زندگانی درازمدت زن و شوهر باید پیوسته با جاذبه عشق همراه باشد تا هیچ‌گاه غبار بی‌میلی و بی‌اعتنایی و دل‌سردی و ناامیدی بر صفحه درخشان آن ننشیند (ر.ک: رضایی، ۱۳۸۳: ۲۳). امام رضا علیه السلام فرمود: «زنان بنی اسرائیل از عفت و پاکی دست برداشتند و این مسئله هیچ سببی نداشت جز آنکه شوهرانشان خود را نمی‌آراستند». همچنین افزودند: «زن نیز از مرد همان توقع را دارد که مرد از او دارد» (طبرسی، ۱۴۲۵: ۸۱).

بی‌بندوباری در پوشش به‌نوعی بی‌بندوباری در تحریک است و این امر بنیاد خانواده را سست و متلاشی می‌کند. غریزه جنسی یکی از علل مهم ازدواج و به‌وجود آمدن خانواده است؛ اما پس از ازدواج، هرچه زمان می‌گذرد، نقش غریزه جنسی در تداوم خانواده کمتر می‌شود و به‌جای آن نقش عشق، تفاهم و وفاداری در بقای خانواده بیشتر می‌شود. در



جامعه‌ای که خودنمایی و برهنگی بر آن حاکم است، هر زن و مردی همواره در حال مقایسه است؛ مقایسه آنچه دارد با آنچه ندارد و آنچه ریشه خانواده را می‌سوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می‌زند. زنی که بیست یا سی سال در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، پیداست که اندک‌اندک بهار چهره‌اش، تازگی خود را از دست می‌دهد و به خزان می‌گراید. در چنین حالی که سخت محتاج عشق، مهربانی و وفاداری همسر خویش است، ناگهان زن جوان‌تری از راه می‌رسد و در کوچه و بازار، اداره و دانشگاه با پوشش نامناسب ظاهر می‌شود و به همسر او فرصت مقایسه می‌دهد (ر.ک: حدادعادل، ۱۳۸۵: ۷۹).

همه زنان از نظر وضع ظاهری، لباس و نظافت در یک سطح نیستند؛ کار روزانه، وضعیت اشتغال و معیشت و سطح درآمد خانوادگی، وضع ظاهری افراد را متفاوت می‌سازد. در نتیجه، زنانی که فرصت و درآمد بیشتری دارند، می‌توانند با جذابیت بیشتری در میان مردم ظاهر شوند و اگر حجاب و تقوای قلب نباشد، این جذابیت‌ها باعث انحراف خواهد شد؛ یعنی چشمان مردانی را به دنبال خود خواهد کشاند و از همین جا بنیان خانواده دچار تزلزل می‌گردد. یکی از فلسفه‌های مهم حجاب همین است که با پوشش دادن زن در لباس‌هایی مناسب، وضعیت ظاهری یکسانی را ایجاد می‌کند و بدین وسیله خانواده‌ها را حفظ می‌کند (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۸۲: ۴۴).

ضرر نرساندن به یکدیگر

در فقه اسلامی قاعده‌ای به نام «لاضَرَر و لاَضِرار» وجود دارد. این قاعده برای حفظ حقوق همه انسان‌ها، تنظیم روابط فردی و اجتماعی، بیان مبنای معاملات مردم با یکدیگر، محدود کردن تسلط مالکانه افراد و جلوگیری از اختلافات و اختلال در نظم جامعه تشریح شده است. منشأ و مستند اصلی این قاعده، روایات متعددی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که عبارت «لاضَرَر و لاَضِرار» در آن به کار رفته و خاص و عام آن‌ها را نقل کرده‌اند. البته فقها برای اثبات این قاعده به ادله قرآنی، اجماع و عقل نیز استدلال کرده‌اند و این قاعده افزون



بر مستندات شرعی، دلایل عقلی محکمی نیز دارد. اهمیت این قاعده به اندازه‌ای است که بسیاری از متفکران اسلامی از آن به عنوان راز و رمز هماهنگی اسلام با پیشرفت‌ها و توسعه فرهنگ یاد کرده‌اند (ر.ک: صفایی و عباسی، ۱۳۹۴: ۳۴).

قاعده لاضرر از مهم‌ترین قواعدی است که می‌تواند از کرامت و منزلت اجتماعی افراد حمایت کند. ضرر معنوی، درحقیقت، زبانی است که در اثر هجمه به کرامت انسانی و شرف و اعتبار و آبروی اشخاص به بار می‌آید (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۲۱).

شیخ‌الشریعه، نفی را بر نهی الهی حمل کرده و معتقد است مدلول حدیث لاضرر، حکم تکلیفی است، نه وضعی؛ یعنی ضرر زدن افراد به یکدیگر حرام است (ر.ک: نمازی اصفهانی، ۱۴۱۰ق: ۲۴). شیخ انصاری معتقد است که هیچ حکم ضرری در اسلام وضع نشده است، اعم از اینکه ضرر ناشی از خود حکم مانند لزوم عقد باشد یا به اعتبار متعلق حکم مانند وضو یا حج باشد (ر.ک: انصاری، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۶۰). از نظر شهید صدر، همانا ضرر همراه با جنبه‌ای موضوعی از نقص است؛ از این رو، باید چهارچوب نقص مشخص شود. نقص یا در نفس و جان است یا در مال یا در آبرو و از آبرو باید با تعبیری عام‌تر استفاده کنیم و آن کرامت و آبروست؛ اما ارزش‌های مرتبط با انسان یا به‌طور حقیقی به نفس انسان مرتبط است یا به‌طور اعتباری، مانند ارزش و آبرو و کرامت، یا اینکه ارزش‌ها جنبه مالی دارند؛ بنابراین، هرگونه کاستی در هر کدام از این موارد پیش بیاید، بدون هیچ اشکالی ضرر محسوب می‌شود، همان‌طور که اگر افزایشی در این‌گونه موارد پیش بیاید، منفعت شمرده می‌شود (ر.ک: صدر، ۱۴۲۰ق: ۱۳۹). از دیدگاه شیخ‌الشریعه اصفهانی، مفاد حدیث لاضرر این است که ضرر زدن به دیگران شرعاً حرام و مستوجب عقوبت است. وی شواهدی از کتاب و سنت می‌آورد که «لا» به معنای نهی آمده است؛ مثل آیه شریفه ﴿فَلَا رَفْتٌ وَلَا فُشُوقٌ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾ (بقره: ۱۹۷) که به معنای نهی از بدکاری و آمیزش با زنان و ستیزه‌جویی در حج است (ر.ک: اصفهانی، ۱۴۱۰ق: ۲۴۱).

در استفتائی از امام خمینی علیه السلام پرسیده‌اند «آیا شوهر می‌تواند زوجه خود را که دچار ناراحتی عصبی است به اقامت در شهر مکلف کند، با اینکه می‌داند زندگی در شهر موجب تشدید بیماری او می‌شود؟»، امام در جواب فرمود: «اگر برای زن حرجی یا ضرری باشد،





شوهر نمی‌تواند او را تکلیف به ماندن در آن محل کند، مگر آنکه با تهیه وسایل رفاهی، ضرر و حرج را از زن رفع کند (ر.ک: خمینی، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ۲۰۴). از امام خمینی رحمته‌الله استفتا کرده‌اند: «اینجانب شوهری دارم که در ضمن بد اخلاقی با من و چند دفعه کتک کاری، سرانجام اجباراً مرا از خانه اخراج کرده و سه ماه است که بدون نفقه در منزل پدرم به سر می‌برم، نه حاضر است مرا به خانه‌اش ببرد و نه طلاق می‌دهد؛ لذا تقاضا مندم تکلیف بنده را روشن فرمایید». ایشان فرمود: «می‌توانید به دادگاه اسلامی شکایت کنید تا شوهر را اجبار به انجام وظیفه شرعی کند» (ر.ک: همان: ۲۰۱).

زن براساس کرامت و جایگاهی که دارد نمی‌تواند وظیفه نان‌آوری را بر عهده بگیرد. این برخلاف کرامت یک زن است که از صبح تا غروب بیرون از خانه برای تأمین زندگی خانواده‌اش زحمت بکشد. زن باید براساس روحیات خود کارهایی متناسب با جایگاهش انجام دهد. اداره امور منزل، تربیت صحیح فرزندان، حفظ کانون خانواده، تدبیر و حفظ ساختار خانواده، حفظ ارزش‌های آن و تأمین آرامش روحی و فکری مرد بر عهده زن است. زن مدیریت درون منزل را بر عهده دارد و بازوی قوی مدیریت خانواده است (ر.ک: جلائیان و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

زن نیز مانند هر انسان دیگری حقوق مادی و معنوی دارد. پس اگر بخشی از این حقوق نقض شود، موجب سختی وضعیت زن و بدحالی او می‌شود و چه بسا بعضی از مصادیق اعتباری نقص و ضرر از مصادیق مادی آن واضح‌تر باشند (ر.ک: صدر، ۱۴۲۰ق: ۳۰۱)؛ مثلاً اگر شوهر الکلی باشد و بیشتر شب‌ها مست به خانه بیاید و عربده‌جویی و فحاشی کند و زن را کتک بزند یا آنکه به اعمال زشت و ناشایست معتاد باشد و ترک نکند، زن می‌تواند دادخواست بدهد و بخواهد که دادگاه شوهر را محکوم کند که او را طلاق دهد (ر.ک: امامی، ۱۳۹۹: ۳۷).

پاسداشت کرامت زن موضوعی است که به چگونگی حضور زن در جامعه و خانواده جهت می‌دهد، نوع رفتار و موضع‌گیری‌های وی را سامان می‌بخشد و بر تصحیح و سالم سازی ارتباط زن و مرد تأثیر می‌گذارد. توجه به کرامت زن، مسیر حضور زن را در اجتماع، اشتغال، فعالیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روشن می‌کند؛ از این رو، تعامل

رشد یافته و سالم با شخصیت لطیف زن در خانواده و جامعه، توجهی ویژه می‌طلبد که باید با کرامت و شخصیت وی هماهنگ باشد و موجب تحقیرش نشود. زن، جامعه‌ساز است و انسان‌های سالم و رشد یافته از دامان او تا عرش می‌رسند؛ از این رو، دین اسلام کارهای سخت، سنگین و طاقت‌فرسا را از عهده زن برداشته است. وی مسئول تربیتی فرزندان است و تولید و تربیت نسل‌ها بر عهده اوست (ر.ک: جلائیان و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۳۰).



نتیجه گیری

آنچه در نوشتار حاضر تبیین شد، بیانگر آن است که برای تحکیم خانواده و روابط اخلاقی زوجین باید به سیره معصومان و اخلاق این بزرگواران درباره خانواده تمسک جست. از ویژگی های مهم در رابطه زوجین، مهرورزی است. آنچه پایه وحدت زوجین را تشکیل می دهد، همان چیزی است که قرآن کریم از آن به مودت و رحمت یاد کرده است. بسیاری از آسیب های اجتماعی و طلاق هایی که در جامعه امروزی رخ می دهد، نتیجه بی اعتنایی زوجین به یکدیگر است. اگر زوجین به هم محبت داشته باشند و از سیره معصومان پیروی کنند، از گسستگی زندگی های امروزی کاسته می شود. اسلام دین آراستگی است و خداوند زیبایی را دوست دارد و این زیبایی و آراستگی فقط مخصوص زن نیست، بلکه مرد هم در این باره وظایفی دارد؛ چه بسا بی توجهی مرد به آراستگی ظاهر سبب می شود که زن از پاکدامنی فاصله بگیرد. آراستگی زنان هم به معنای بی حجابی یا بدحجابی نیست، بلکه با پوشش مناسب می توان به این آراستگی دست یافت. گرمی خانواده ها، استحکام رابطه زن و شوهر و تداوم زندگی مشترک، مرهون پوشش و حجاب زنان جامعه است. از دیدگاه اسلام آنچه موجب رضایتمندی و آسایش خاطر می شود، قناعت است و صفای زندگی به آن بستگی دارد. در جامعه امروزی این قناعت رو به زوال است و زوجین با چشم و هم چشمی به زندگی خود آسیب می رسانند. آموزه های اسلامی افزون بر امور مالی و اقتصادی، اسراف در مواردی مانند عمر، وقت، نفس و جان را نیز نکوهش و به دوری از آن توصیه کرده است. بخش عمده ای از مشکلات روانی و فشارهای روحی و اقتصادی بر خانواده های امروزی از اسراف و تبذیر سرچشمه می گیرد؛ مسئله تأسف باری که به منزله یک ضداخلاق و در تضاد با سبک زندگی اسلامی در قالب یک فرهنگ نادرست در حال ترویج و گسترش روزافزون است. اگر زوجین به درآمد حلال و مکفی راضی باشند، دست به هر کاری نمی زنند تا درآمد زیاد کسب کنند و زندگی آن ها پایدارتر است. رعایت حجاب یک انتخاب برتر است، نه یک امر واجب الهی. اگر دل زن در گرو عشق و محبت شوهر باشد، هیچ عاملی نمی تواند زن را از مسیر عفت و پاکی خارج کند. بسیاری از اختلاف ها و انحراف ها و ناسازگاری های زنان و



فرزندان از این نقطه آغاز می‌شود که مردان به زن و فرزندان خود محبت لازم را نشان نمی‌دهند. با توجه به قاعده لاضرر، اگر هریک از زوجین حقوق دیگری را ادا نکند و به او خسارت بزند، طرف دیگر می‌تواند به حاکم شرع رجوع کند. در شرع و در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران، امکان ورود ضرر و زیان به رسمیت شناخته شده است. در حوزه تربیت و خانواده و حوزه‌های دیگر، هم جسم و هم روان افراد باید از هرگونه لطمه و آزار مصون بماند و تکریم و رعایت احترام افراد از جمله حقوق مسلم شهروندی است. قاعده لاضرر، افراد را از هرگونه رفتاری که موجب ضرر یا حرج بر دیگری باشد، باز می‌دارد. حیثیت و کرامت انسانی از مهم‌ترین سرمایه‌های معنوی افراد خانواده به‌شمار می‌رود. ضرر روانی یا خدشه‌دار شدن کرامت افراد خانواده، با قاعده لاضرر منافات دارد؛ زیرا در این قاعده از ضرر دیدن و ضرر زدن نهی شده است و این شامل ضرر مادی و معنوی می‌شود. خداوند متعال فرزندان آدم را تکریم کرده و آنان را بر کائنات برتری داده است؛ به همین دلیل ضروری است انسان‌ها این کرامت و حیثیت را حق یکدیگر بدانند. اگر کرامت نفسانی و شخصیت انسانی افراد نادیده گرفته شود، احساس خودکم‌بینی و کوچکی می‌کنند، توان ایستادگی در برابر پیشامدها و مشکلات را از دست می‌دهند و از پیشرفت و رشد در تمام زمینه‌ها باز می‌مانند.



کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ ق)؛ *عیون اخبار الرضا علیه السلام*؛ تهران: نشر جهان، دو جلدی، جلد دوم.
۳. احمدی فر، مصطفی و محمد علی رضایی (۱۳۹۰)؛ «تأمین بهداشت روانی اقتصاد و تقویت آن از منظر آموزه‌های دینی»؛ *دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم*، سال ۲ ش ۴، ص ۱۷ تا ۲۷.
۴. نمازی اصفهانی، شیخ الشریعه فتح‌الله بن محمد جواد (۱۴۱۰ ق)؛ *قاعده لاضرر*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. امامی، سید حسن (بی تا)؛ *فقه استدلالی*؛ تهران: اسلامیه.
۶. امینی گلستانی، محمد (۱۳۸۷)؛ *آداب ازدواج و زندگی خانوادگی*؛ قم: سپهر آذین.
۷. انصاری، مرتضی (۱۴۱۰ ق)؛ *المکاسب*؛ تعلیق محمد کلاتر؛ قم: مؤسسه دارالکتب.
۸. انصاریان، حسین (۱۳۸۰)؛ *نظام خانواده در اسلام*؛ قم: ام ایها.
۹. پاک‌نیا، عبدالکریم (۱۳۸۲)؛ *حقوق متقابل والدین و فرزندان*؛ قم: کمال‌الملک.
۱۰. جلائیان اکبرنیا، علی و محمدرضا محمدی (۱۳۹۴)؛ «حرمت و کرامت زن در خانواده از دیدگاه امام رضا علیه السلام»؛ *فصلنامه فرهنگ رضوی*؛ سال ۳، ش ۱۲، ص ۱۲۰ تا ۱۳۸.
۱۱. حداد عادل، غلامعلی (۱۳۸۵)؛ *فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی*؛ تهران: سروش.
۱۲. حرعاملی، محمد بن حسن (بی تا)؛ *وسائل الشیعه*؛ قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البيت علیه السلام.
۱۳. حسن‌زاده، صالح (۱۳۹۲)؛ «عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی»؛ *پژوهشنامه معارف قرآنی*، دوره ۴، ش ۱۵، ص ۴۵ تا ۶۸.
۱۴. حسینی بهارانچی، سید محمد (۱۳۸۵)؛ *آئین همسر داری و آداب زندگی در اسلام*؛ قم: عطر عترة.
۱۵. حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۷)؛ *الحیاء*؛ ترجمه احمد آرام؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.





۱۶. خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۲)؛ *استفتائات*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. دوست محمدی، هادی (۱۳۸۶)؛ *شخصیت زن از دیدگاه قرآن*؛ تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۸. دیلمی، احمد و مسعود آذربایجانی (۱۳۸۰)؛ *اخلاق اسلامی*؛ قم: دفتر نشر و پخش معارف.
۱۹. رضایی، مهدی (۱۳۸۳)؛ *گل های آرام بخش: ویژگی های زن نمونه در فرهنگ اسلام*؛ قم: نورالسجاده.
۲۰. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۵)؛ *خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی*؛ تهران: سمت.
۲۱. صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۰ق)؛ *قاعده لاضرر و لاضرار*؛ قم: دارالصادقین للطباعه و النشر.
۲۲. صفایی، سهیلا و محمود عباسی (۱۳۹۴)؛ «اصل آسیب نرساندن در فقه و حقوق اسلامی و کاربرد آن در فقه زیست پزشکی»؛ *فصلنامه اخلاق زیستی*؛ س ۵، ش ۱۷، ص ۳۴ تا ۶۵.
۲۳. طبرسی، ابونصر حسن بن فضل (۱۴۲۵ق)؛ *مجمع البیان*؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۲۴. طبرسی نوری، حسین (۱۴۰۷ق)؛ *مستدرک الوسائل*؛ بیروت: مؤسسه آل البیت.
۲۵. فاضل قانع، حمید (۱۳۹۲)؛ *زندگی بر اساس آموزه های اسلامی با رویکرد رسانه ای*؛ قم: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی.
۲۶. مصطفوی، فریده (۱۳۸۲)؛ *زن از منظر اسلام*؛ قم: بوستان کتاب.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)؛ *نظام حقوق زن در اسلام*؛ قم: صدرا.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱)؛ *شیوه همسری در خانواده نمونه*؛ قم: نسل جوان.
۲۹. منسوب به امام رضا علیه السلام؛ *صحیفه الرضا علیه السلام*؛ تصحیح محمد مهدی نجف؛ مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.
۳۰. مهدوی، سید سعید (۱۳۸۸)؛ *حیات طیبه در پرتو اخلاق*؛ اصفهان: کیاراد.
۳۱. نجفی یزدی، محمد (۱۳۷۹)؛ *خلاصه ای از مطالب اسلام در مورد روابط زن و مرد یا اخلاق در خانواده*؛ قم: شکوری.
۳۲. یوسفیان، نعمت الله (۱۳۸۷)؛ *مدیریت زن در خانواده*؛ قم: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، انتشارات زمزم هدایت.

